

متن پرسش

سلام علیکم: علامه طباطبایی در جلد سوم تفسیر المیزان، می نویسد که آنچه می کند بر طبق آنچه می داند نیست، بلکه بر طبق آن ملکات خوبی و بدی است که در نفسش پدید آمده. منظور از ملکات چیست و چگونه می شود ملکات بر اساس آنچه می داند شکل نگیرد؟ آیا ابلیس را می توان نمونه این مطلب دید که علیرغم علم به توحید و معاد و اینکه منبر توحید در بین ملائکه داشت، ولی بعلت منیت و اینکه سعی نکرد تمام وجودش را الهی کند و با نور توحید به وحدت شخصیت برسد، در برابر امر حضرت حق مقاومت کرد و سجده نکرد و از درگاه خدا رانده شد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! انسان ها در منش و شخصیت پذیرفته‌ی خود مستقرند تا در دانایی‌های شان. و به همین جهت در توصیه‌های دینی به ما می فرمایند باید معارف به دست آمده‌ی خود را به قلب برسانیم تا جزء شخصیت و بصیرت و منش و ملکه ما شود. موفق باشید